

ارزیابی فرایندهای واژی در گونه‌ی زبان زندان

آمنه مسن آبادی*

گروه زبانشناسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی،
زنجان، ایران

بهزاد رهبر**

گروه زبانشناسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی،
زنجان، ایران

محمد رضا اروجی***

گروه زبانشناسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی،
زنجان، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۶/۰۵/۱۳، تاریخ تصویب: ۹۷/۰۳/۱۳، تاریخ چاپ: مرداد ۱۳۹۷)

چکیده

یکی از گروه‌های اجتماعی که تمایلی به افشای اسرار مکالماتشان ندارند، زندانیان هستند که این عدم تمایل آن‌ها منجر به تولید گونه‌ی زبان زندان می‌شود. در این پژوهش، واژه‌های جدیدی که در زندان، به وسیله‌ی زندانیان به کار برده می‌شود، جمع‌آوری و از لحاظ نمود واژی بررسی شده‌اند. پژوهش به صورت میدانی بوده و داده‌ها به شیوه‌ی ایجاد ارتباط مستقیم و براساس گفتار ۵۰ نفر مشارک مرد که به مدتی بیش از ۱۰ سال برای تحمل کیفرشان در زندان‌های استان تهران به سربرده‌اند، جمع‌آوری شده است. پژوهشگران پس از تجزیه و تحلیل حدود ۶۰۰ لغت و اصطلاح گردآوری شده، به این نتیجه رسیدند که شرایط حاکم بر زندان، بر گفتار زندانیان تأثیر می‌گذارد و تغییرات واژی در گفتار آن‌ها رخ می‌دهد. فرایندهای واژه‌سازی به دست آمده عبارت‌اند از: ابداع، تکرار، تبدیل، کوتاه‌سازی، ترخیم، سرواژه‌سازی، آمیزش و قرض‌گیری. از میان فرایندهای واژی، بیشترین بسامد، مربوط به فرایند ابداع است. نتایج این پژوهش، زبان‌شناسان را در شناخت هرچه بیشتر گونه‌ی زبان زندان یاری می‌رساند و به جامعه‌شناسان نیز در شناخت روابط انسانی و در نهایت، برنامه‌ریزی و بازپروری زندانیان کمک می‌کند.

واژه‌های کلیدی: زندان، گونه‌ی زبان زندان، واژگان، فرایندهای واژه‌سازی، ابداع.

* E-mail: a.masnabadi@yahoo.com

** نویسنده مسئول: E-mail: behzad.rahbar@iauz.ac.ir

*** E-mail: mohammadrezaorji@yahoo.com

۱- مقدمه

به دنبال تحولاتی که در یک جامعه رخ می‌دهد، زبان آن جامعه نیز دچار دگرگونی می‌شود تا بتواند برای رویارویی با نیازهای ارتباطی جامعه همواره آماده باشد. اگر جامعه زندان را جامعه‌ای استحاله شده و متغیر با نیازهای ارتباطی خاص تصور کنیم، طبیعتاً با گونه خاصی از زبان در ارتباطیم که مختصات خاص خود را دارد. افراد این جامعه جدید به گونه زبانی جدیدی نیاز دارند که عضویت آن‌ها را در گروه و جامعه جدید تعریف کند. چراکه «افراد گروه‌های اجتماعی، تابع هنجارهای گروهی هستند، تا آن‌جا که هنجارها آن‌ها را مجاز می‌کنند تا دست به تغییر در زبان جامعه‌ای بزنند که گروه آن‌ها به آن تعلق دارد» (سمائی، ۱۳۸۲: ۵۱).

زبان دارای حوزه‌های^۱ مختلفی است. یکی از این حوزه‌ها ساختواژه است. ساختواژه، زیرشاخه‌ای از زبان‌شناسی است که ساختار درونی واژه و روابط بین واژه‌ها را بررسی می‌کند (اکمیجیان و همکاران^۲، ۱۹۹۷: ۱۲۱). در این حوزه، مرتبط با واژه، فرایندهای واژه‌سازی مطرح می‌شود. پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد فرایندهای واژه‌سازی مورد بررسی در پژوهش‌های حوزه ساختواژه عبارت‌اند از: اشتقاق^۳، ترکیب^۴، تکرار^۵، تبدیل (صفر)^۶، اختصارسازی^۷، کوتاه‌سازی^۸، سر واژه‌سازی^۹ و آمیزش^{۱۰} (یول^{۱۱}، ۱۹۹۶؛ اکمیجیان و دیگران، ۱۹۹۷؛ بائر^{۱۲}، ۱۹۸۹؛ متیوز^{۱۳}، ۱۹۹۱؛ کاتامبا^{۱۴}، ۱۹۹۳؛ و...). به نظر می‌رسد که در گونه زبان زندان نیز با این فرایندهای واژی سروکار داریم.

هدف از این مقاله آن است که بدانیم آیا گونه زبان زندان، با تأکید بر فرایندهای واژی رایج، واقعاً گونه‌ای متفاوت از زبان جامعه است و در صورت مثبت بودن پاسخ این

1. Module
2. Akmajian
3. Derivation
4. Combining
5. Reduplication
6. Zero derivation
7. Abbreviation
8. Shortening
9. Acronym
10. Blending
11. G. Yule
12. L Bauer
13. P. Matthews
14. F. Katamba

سؤال، فرایندهای واژی رایج در این گونهٔ مفروض کدام‌اند و توزیع آن‌ها به چه شکل است؟

شناخت این فرایندها علاوه بر اینکه از نظر زبانی به شناخت بهتر گونهٔ زبان زندان کمک می‌کند و ارتباط بین نگرش‌های ذهنی زندانیان (به عنوان کاربران زبان) و نحوه بازنمود آن‌ها را در قالب زبانی شفاف می‌سازد، از نظر جامعه‌شناختی نیز به درک بهتری از زیرساخت‌های جامعهٔ زندان منتج خواهد شد و امید است که متولیان زندان و دست‌اندرکاران تعلیم جامعه را در راستای شناخت لایه‌های زیرین جامعهٔ زندان و مآلاً اصلاح شیوه‌های تنبیه و تعلیم یاری رسانند.

۲- پیشینه تحقیق

در سنت زبان‌شناسی اجتماعی، سابقهٔ ارزیابی ارتباط مؤلفه‌های اجتماعی با عوامل زبانی به نیم قرن پیش برمی‌گردد. برنستاین^۱ (۱۹۶۷) همبستگی میان رفتار زبانی و طبقهٔ اجتماعی را از دیدگاه نسبتاً متفاوتی بررسی کرده است. ترادگیل^۲ (۱۹۷۲) از جمله کسانی است که در زمینهٔ گوناگونی زبان و عامل‌های مختلف اجتماعی، تحقیق وسیعی در شهر نورویچ انجام داده است. لباو^۳ (۱۹۷۷) برای نخستین بار، همبستگی میان زبان و طبقه اجتماعی را به شیوهٔ علمی نشان داده است. مطابق نتایج به‌دست‌آمده، در رفتار زبانی هر طبقه اجتماعی، ویژگی‌های آوایی، دستوری و واژگانی معینی وجود دارد که از نظر میزان وقوع، با طبقه‌های دیگر متفاوت است. گیرو^۴ (۱۹۷۶) توضیح می‌دهد که در قرن هفدهم، اصطلاح آرگو برای زبان گدایان و فقرا به‌کار رفته است و تا آخر قرن نوزدهم نیز همان زبان مخصوص گدایان و دزدان بود و با جمله‌بندی خاص، غنی و کم‌وبیش فنی در بین افرادی که یک هنر و یک حرفه دارند، به‌کار می‌رفته است.

از جمله تحقیقات غیرایرانیان در مورد گونهٔ زبان زندان، می‌توان به زابو^۵ (۲۰۰۵) اشاره کرد که زبان عامیانهٔ زندان را در مجارستان بررسی می‌کند و فهرستی از واژه‌ها و اصطلاحات زندانیان را عرضه کرده است.

1. Bernstein
2. Trudgill
3. Labov
4. Girrow
5. E. Zaboo

در ایران پژوهش‌های بسیاری به بررسی ارتباط عوامل اجتماعی و شاخص‌های زبانی پرداخته است، اما متأسفانه آثار مکتوب انگشت‌شماری درباره گونه زبان زندان در زبان فارسی وجود دارد. شمس (۱۳۸۷) جامعه زندان را از دیدگاه جامعه‌شناسی بررسی و برخی از اصطلاحات به‌کاررفته زندانیان را نیز بیان کرده است. رهبر و مسن‌آبادی (۱۳۹۵) فهرست نسبتاً مبسوطی از واژه‌ها و اصطلاحات زبان زندان را عرضه کرده و به تحلیل زبانشناختی آن‌ها از دیدگاه واژی، آوایی و معنایی پرداخته است. نبوی (۱۳۸۰) مجموعه لغات و اصطلاحاتی را که زندانیان در سالن ۶ زندان اوین استفاده کرده‌اند، جمع‌آوری نموده است.

۳- روش تحقیق

جامعه آماری پژوهش حاضر را کل زندانیان زندان‌های مردانه استان تهران تشکیل می‌دهد. روش انتخاب حجم نمونه، روش غیرتصادفی بوده است. ابتدا بر اساس تاریخ‌های ورود زندانیان به زندان و دفعات حبس، با زندانیان ملاقات‌هایی صورت گرفت و پس از تشریح نوع و هدف پژوهش، از میان افرادی که واجد شرایط و مایل به همکاری بودند و درعین حال، به مدتی بیش از ده سال برای تحقق کیفرشان در زندان به سر برده بودند، حجم نمونه انتخاب شد. بر این اساس تعداد ۵۰ زندانی مرد از زندان‌های رجایی‌شهر (۱۰ نفر)، قزل‌حصار (۱۵ نفر)، شافویه (۱۰ نفر) و تهران بزرگ (۱۵ نفر) به عنوان مشارکان پژوهش انتخاب شدند. در مرحله بعد، برای گردآوری داده‌ها از روش‌های مبتنی بر مشاهده عینی از طریق حضور در محل، مصاحبه و یادداشت‌برداری استفاده شده است. البته در برخی موارد، مشاهدات با دستگاه ضبط صوت صدابرداری شده است و لغات و اصطلاحات، از میان صحبت‌های آنان جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به زندانیان اطمینان کامل داده می‌شد که جمع‌آوری لغات و اصطلاحات، صرفاً جنبه پژوهشی دارد. گاهی به آنان فقط یک کاغذ سفید داده می‌شد که هر اصطلاحی را که به ذهن شان خطور می‌کند، یادداشت نمایند. در نهایت، در مجموع حدود ۶۰۰ لغت و اصطلاح خاص زندان جمع‌آوری شد. به‌منظور ارزیابی و تجزیه و تحلیل داده‌ها و درک معانی واژه‌ها و اصطلاحات، از تجربه متصدیان زندان و دانش و شم زبانی دو نفر از استادان زبان‌شناسی استفاده شده است. طبقه‌بندی داده‌ها بر اساس فرایندهای واژی اعمال‌شده در مرحله بعدی، با دقت و وسواس انجام شد.

۴- تحلیل داده‌ها

از لحاظ واژه‌سازی می‌توان داده‌ها را در هشت طبقهٔ اصلی ابداع^۱، تکرار^۲، تبدیل^۳ (صفر)، کوتاه‌سازی^۴، ترخیم^۵، سرواژه‌سازی^۶، آمیزش^۷ و قرض‌گیری^۸ قرار داد. در این جا به معرفی هر طبقه و چند نمونه به همراه معنای آن‌ها می‌پردازیم:

۴-۱- ابداع

ابداع یا ساختن، یکی از فرایندهای واژه‌سازی جهانی است که در این گونهٔ زبانی نیز رایج است. لانگمن (۲۰۰۶: ۲۹۰)، ابداع را ساختن واژه یا عبارت جدید در زبان معرفی می‌کند. این فرایند در این گونهٔ زبانی کاربرد بسیار دارد؛ برای مثال می‌توان به واژه‌های زیر اشاره کرد: خفن «=عالی = بی‌نقص»؛ گاگول «= شخص غیرعادی (غیرمتعارف)»؛ یول «= بیخ، بی‌اطلاع و بی‌خبر»؛ نوچفسکو «= اسمی ابداعی برای نوعی غذا در یک مجموعه طنز تلویزیونی» و سمندون «= نام خاص ابداعی برای یک شخصیت کارتونی». پژوهشگران در حین تحقیق به واژه‌هایی برخورد کردند که اختصاصاً در درون زندان شکل گرفته و استفاده می‌شوند. این لغات در زبان معیار جامعه هیچ خویشاوندی نداشتند و کاملاً وجه ابداعی آن مشخص است. مثل کلمه: قاردونی: /qarduni/ که برای دلالت بر مکانی ابداع شده است که در بیرون از زندان، مناظرهایی مانند محل دفع فضولات انسانی، «توالت، دستشویی، آبریزگاه» دارد. و یا واژه انگشتی/angošti/ که به معنای مقدار معینی حدود ۵ تا ۱۰ گرم مواد «شیشه و کراک» جاسازی شده در مقعد برای ورود پنهانی به زندان به‌کار برده می‌شود.

1. Coinage
2. Repetition
3. Conversion
4. Shortening
5. Pingclip
6. Acronymy
7. Blending
8. Borrowing

جدول (۱) فهرست واژه‌های ساخته‌شده طی فرایند ابداع

معنی	صورت آوانویسی شده	صورت زیرساختی
نمایانگر آدم بی‌خاصیت و به‌دردنخور و بدبخت است.	[čalqu:z]	چل قوز
نشانگر شخص گنده بی‌خاصیت است.	[borzu:]	برزو
به افراد حشیشی و همچنین به فردی گفته می‌شود که زیاد صحبت می‌کند.	[bangi:]	بنگی
به افراد چاق و تنبل گفته می‌شود.	[tāppāle]	تاپاله
به پول و موجودی نقدی اطلاق می‌شود.	[toffe]	تفه
تریاک.	[talxaki:]	تلخکی (تل)
هروئین.	[sefi:di:]	سفیدی (سپیدی، اسپیدی)
به افراد روستایی اطلاق می‌شود.	[savvāri:ye]	سواریه
به معنای مقسم غذا، مسئول پخش غذا و جای در بین زندانیان است.	[si:ne keš]	سینه‌کش
مبین شغل تقسیم‌کننده غذا در بین زندانیان است.	[si:ne keši:]	سینه‌کشی
به کلیه وسایل زندانی اعم از شخصی و غیرشخصی شامل پتو و وسایل خواب گفته می‌شود.	[šer]	شر
دستشویی	[gārdu:ni:]	گاردونی
آدم‌فروش	[qaʃar]	قجر
ظرف غذا	[yaqlabi:]	یقلبی
بسته‌های مواد مخدر	[pak]	پک
قیافه، چهره	[si:s]	سیس
کسی که مراقب تخلف به دور از چشم مأموران است.	[gari:ki:]	گاریکی
کراک، هروئین فشرده	[kerkere]	کرکره
افسر نگهبانی	[zi:re hašt]	زیرهشت
به چفیه‌ای که دور گردن می‌اندازند، اطلاق می‌شود.	[čappi:]	چپی
به کسانی گویند که با حرف‌های دروغ و خبرهای کذب، عده‌ای را به جان هم می‌اندازند.	[fangandāz]	فنگ‌انداز

۴-۲- فرایند تکرار

فرایند تکرار ممکن است تمام یا قسمتی از واژه پایه را تکرار کند و واژهٔ جدیدی با معنایی متفاوت از معنای پایه بسازد. فرایند تکرار، با تکرار انواع پایه‌های بسیط و غیربسیط از قبیل اسم: (خال‌خال، تکه‌تکه و دسته‌دسته) صفت: (پرسان‌پرسان، آرام‌آرام، پروپرو، دولادولا، جویده‌جویده، و دستی‌دستی) نام‌آوا: (وزوز، تق‌تق، جزجز و جیرینگ‌جیرینگ) صورت: (به‌به، آخ‌آخ، راه‌راه، موس‌موس، کیش‌کیش) و حتی گروه: (پاورچین‌پاورچین) و جمله (چه‌کنم چه‌کنم) واژه‌های جدید می‌سازند.

جدول (۲) فهرست واژه‌های ساخته شده طی فرایند تکرار

معنی	صورت آوانویسی شده	صورت زیرساختی
درب و داغون، دربه‌در، بی‌سروپا، آدم‌های بی‌نظم و کثیف و نامرتب.	[ʔā šo lāš]	آش‌ولاش
ندید بگیر.	[bi: xi: xi:]	بی‌خیخی
پی‌درپی.	[rā be rā]	راه‌به‌راه
وسایل.	[šerro per]	شروپر
درهم پیچیده شدن کارهای مختلف.	[ši:r tu: ši:r]	شیرتوشیر
مضحکه و مسخره مردم شدن.	[ʔantar o mantar]	عنتر و منتر
درهم‌وبرهم، ناموزون.	[qaro qāti:]	قروقاطی
خوش‌خوش بودن، نشئه بودن.	[lu:le lu:l]	لول‌لول

۴-۳- فرایند تبدیل (صفر)

یکی از فرایندهایی که مقوله و نقش واژه را بدون هیچ‌گونه افزایش یا کاهش تغییر می‌دهد و واژه جدیدی می‌سازد، فرایند تبدیل نام دارد. گویشوران به هنگام نیاز و به صورت ناخودآگاه با تغییر مقوله، واژه مورد نظر خود دست به واژه‌سازی می‌زنند (شقاقی، ۱۳۸۹: ۱۰۳). فهرست واژه‌هایی که طی فرایند تبدیل صفر ساخته شده‌اند، در جدول (۳) آمده است.

جدول (۳) فهرست واژه‌های ساخته‌شده طی فرایند تبدیل

معنی	نوع تبدیل	صورت آوانویسی شده	صورت زیرساختی
خبرچین (زندانی)، جاسوسی که اخبار داخل بند را به نگهبانی می‌دهد.	صفت → اسم	[ʔānten]	آنتن
همراه مزاحم، کنه.	صفت → اسم	[ʔāvi:zu:n]	آویزون
شانس، موفقیت.	صفت → اسم	[ʃof šeš]	جفت شش
ساعت مخصوص خاموش شدن تمامی برق سالن‌ها و خواب اجباری زندانیان.	صفت → اسم	[xāmu:ši:]	خاموشی
چاپلوس.	صفت → اسم	[dasmāl]	دستمال
کسی که مواد را به دیگری تزریق می‌کند.	صفت → اسم	[doktor]	دکتر
فرد زیرک بی‌آبرو.	صفت → اسم	[domdār]	دُمدار
فرد غیرمثبت.	صفت → اسم	[mosi:bat]	مصیبت
جای خوب و تر تمیز در اتاق زندانیان را گویند.	صفت → اسم	[velenʃak]	ولنجک
کسی را گویند که در اثر حضور خود، مزاحم کار دیگران باشد.	صفت → اسم	[mi:x]	میخ
از لیسیدن استخوان‌های خالی آبگوشت هم نمی‌گذرد.	صفت → اسم	[narre gedāyeʔ ostoxu:ni:]	نرگدای استخوانی
آدم‌های به‌دردنخور و تن‌پرور و بی‌مصرف که رعایت انضباط و نزاکت را نمی‌کنند و دیگران هم نسبت به وجودشان بی‌تفاوت‌اند.	صفت → اسم	[mavāl]	موال (توالت)
سیگار ویژه که زمانی ارزان‌ترین سیگار موجود بود و بیشتر زندانیان از آن استفاده می‌کردند.	اسم → صفت	[vi:že]	ویژه
به کسانی که با غذای جیره دولتی پرخوری می‌کنند.	صفت → اسم	[yābu: doli:]	یابو دولتی

۴-۴- فرایند کوتاه‌سازی

کوتاه‌سازی یا صورت‌های کوتاه‌شده را کاهش صورت‌های طولانی‌تری می‌دانند که از انتهای آن‌ها کاسته شده است؛ مانند: ad از advertisement. اما در برخی موارد، کوتاه‌سازی از ابتدای واژه صورت می‌گیرد؛ مانند: plane از airplane. یا گاهی کوتاه‌سازی همزمان، از ابتدا و انتهای واژه صورت می‌گیرد مانند flu از influenza کریستال (۲۰۰۳: ۱). داده‌های گونهٔ زبان زندان، در این طبقه، در جدول ذیل آمده است.

جدول (۴) فهرست واژه‌های ساخت‌شده طی فرایند کوتاه‌سازی

معنی	صورت اصلی	صورت آوانویسی	صورت زیرساختی
مخفف داداش به معنای برادر.	داداش	[dāš]	دش
مشکل تراشی نکن.	اشکال تراشی	[ʔeʃkel nayā]	اشکل نیا
ریخت و قیافه.	قیافه	[qi:f]	قیف

۴-۵- فرایند ترخیم

عملکرد فرایند ترخیم در مقایسه با فرایند کوتاه‌سازی منظم‌تر است؛ زیرا به‌هرحال، بخشی از پایان کلمه یا عبارت پایه حذف می‌شود. در هر حال، نتیجهٔ اعمال این فرایند را نمی‌توان پیش‌بینی کرد (شقایق، ۱۳۸۹: ۱۰۶).
در جدول (۵) فهرست واژه‌هایی که طی فرایند ترخیم ساخته شده‌اند، آمده است.

جدول (۵) فهرست واژه‌های ساخته‌شده طی فرایند ترخیم

معنی	صورت اصلی	صورت آوانویسی شده	صورت زیرساختی
اشتباهه	اشتباه	[ʔeʃteb]	اشتب
مأمور و افسر نگهبان.	پاسبان	[pās]	پاس
تریاک.	تلخکی	[tel]	(تل)
به زندانی مرد کم سن و سال و زیباروی گفته می‌شود.	چاقالو	[čāqāl]	چاقال
قرنطینه.	قرنطینه	[qaran]	قرن
کتی، کتری، چایی.	کتی	[ket]	کت
کارت پاسارگاد.	پاسارگارد	[pāsyar]	پاسیار
کارت هوشمند مخابرات.	الکتريکی کارت	[ʔel kār]	ال کارت
زندانی قزل حصار.	قزل حصار	[qezel]	قزل

۴-۶- سرواژه‌سازی

کریستال (۲۰۰۳: ۱۰) می‌گوید: «سرواژه‌سازی، تلفظ حرف‌های اول چند واژه است. سرواژه^۱ به عنوان یک واژه مستقل تلقی و تلفظ می‌شود»؛ مانند:

بی‌بی‌سی (British Broadcasting Corporation):

سرواژه‌سازی فقط با استفاده از حروف اول کلمات ساخته می‌شود، اما مشخص نیست که حروف اول کدام یک از کلمات آن عبارت انتخاب می‌شود.

جدول (۶) فهرست واژه‌های طی فرایند سرواژه سازی

صورت اصلی	صورت آوانویسی	صورت زیرساختی
زن ذلیل	/zi:zi:/	زی ذی
سیگار	/si: Ĵi:/	سی جی
بی خیال	/bi: xi: xi:/	بی خخی خخی

۴-۷- آمیزش

از نظر هادسن (۲۰۰۰) در آمیزش، دو کلمه از یک گروه را با بخش‌هایی از آن کلمات جانشین می‌کنیم؛ معمولاً قسمت اول کلمه اول و قسمت آخر کلمه دوم، در کنار هم به‌کار می‌روند؛ مانند motel در انگلیسی که از motor و hotel ساخته شده است. به اعتقاد فرامکین و دیگران (۱۹۸۸) این واژه‌ها ترکیباتی هستند کوتاه‌تر از واژه‌های مرکب؛ یعنی اینکه به جای ترکیب دو واژه، بخشی از واژه‌ها باهم ترکیب می‌شوند. در جدول (۷) فهرست واژه‌هایی که طی فرایند آمیزش ساخته شده‌اند، آورده شده است.

جدول (۷) فهرست واژه‌های ساخته‌شده طی فرایند آمیزش

معنی	ترکیب	صورت آوانویسی	صورت زیرساختی
کفش ورزشی آدیداس	آدیداس + لوکس	[ʔādi:lāks]	آدیلاکس
کارت عکس‌دار	کارت + عکس	[kārdeks]	کاردکس
لرهای زندان	لر + زندانی	[Lorenzo]	لرنزو

۴-۸- قرض‌گیری

یکی از راه‌های گسترش واژه‌های زبان، وارد کردن عناصر واژگانی، از دیگر زبان‌ها یا گویش‌هاست. این کار را وام‌گیری می‌نامند. گویشوران زبان‌ها، بنا بر ضرورت، دست به قرض‌گیری می‌زنند تا نیازهای خود را برآورده سازند. بدین منظور، واژه‌های بیگانه به طرق متفاوتی به زبان وارد می‌شوند. گاه، عین واژه‌ها را از زبان بیگانه، قرض می‌گیرند و گاه، اجزای واژه بیگانه را ترجمه یا تعبیر می‌کنند (شقایق، ۱۳۸۹: ۱۲۷).

جدول (۸) فهرست واژه‌های ساخته‌شده طی فرایند قرض‌گیری

معنی	زبان قرض‌دهنده	صورت آوانویسی	صورت زیرساختی
به‌طور کلی به اشخاص خبرچین گویند.	انگلیسی	[ʔāvāks]	آواکس
تریاک	لری	[tel]	(تل)
این‌چنین حبسی که با این همه مشقت ما می‌کشیم، پاپیون هم نکشیده.	فرانسه	[pāpi:yu:n]	پاپیون
کسی که دائم به اتاق‌ها سرکشی می‌کند تا خبر کسب کند.	انگلیسی	[pātro:l]	پاترول
مصرف محلول ماده مخدر در آب را از طریق بینی گویند.	لری	[peti:]	پتی
شریک جنسی.	انگلیسی	[met]	مت
کسی را گویند که تحت هیچ شرایطی اعتراف نمی‌کند و مقاوم است.	عربی	[molabas]	ملبس

تحقیق حاضر بر روی ۶۱۵ داده صورت گرفت اگر چه تعداد داده‌هایی که پژوهشگران از زندانیان به دست آورده‌اند، بیش از این بود. اما ماهیت خود گونه زبان زندان و گاهی حفظ حریم پژوهش، ایجاب می‌کند که برخی داده‌ها از پژوهش حاضر کنار گذاشته شوند. در ۱۶۵ مورد از تعداد کل ۶۱۵ مورد داده جمع‌آوری شده، فرایندهای واژه‌سازی دیده شد و پژوهشگران این داده‌ها را از لحاظ واژه‌سازی به هشت طبقه تقسیم کردند.

همان‌طور که در جدول (۹) و نمودار (۱) مشهود است، از میان فرایندهای واژه‌سازی، فرایند ابداع با ۳۱،۵۲ درصد، بیشترین داده‌ها را به خود اختصاص داد. در واقع ابداع مؤثرترین فرایند در میان داده‌ها هستند که وقوعشان تفاوت چشمگیری با سایر فرایندها دارد؛ علت آن هم این است که موقعیت اجتماعی زندان و ساختار زندان، زمینه‌ساز واژه‌سازی در زندان است. پس از فرایند ابداع، کوتاه‌سازی با ۲۰ درصد، بیشترین داده‌ها را به خود اختصاص داد، سپس تبدیل، که ۱۵،۷۶ درصد داده‌ها را دربرمی‌گیرد؛ پس از تبدیل، ترخیم و تکرار به ترتیب ۱۴،۵۵ و ۷،۲۷ درصد داده‌ها را به خود اختصاص داد. قرض‌گیری، ۶،۰۶ درصد داده‌ها را پوشش

می‌دهد. آمیزش ۳/۰۳ درصد داده‌ها را شامل است. و درنهایت، فرایند سرواژه‌سازی هم تنها ۱,۸۲ درصد داده‌ها را دربرمی‌گیرد.

جدول (۹) در صد وقوع فرایندهای واژه‌سازی در مردان

فرایند واژه‌سازی	تعداد	درصد وقوع نسبت به کل
ابداع	۵۲	۳۱/۵۲
کوتاه‌سازی	۳۳	۲۰/۰۰
تبدیل	۲۶	۱۵/۷۶
ترخیم	۲۴	۱۴/۵۵
تکرار	۱۲	۷/۲۷
فرض‌گیری	۱۰	۶/۰۶
آمیزش	۳	۳/۰۳
سرواژه‌سازی	۵	۱/۸۲
مجموع	۱۶۵	۱۰۰



نمودار (۱) درصد وقوع فرایندهای واژه‌سازی

بررسی آماری داده‌ها نشان می‌دهد که عمده واژه‌های موجود در گونه زبان زندان، با توجه به شرایط خاص حاکم بر زندان ساخته شده است و به گونه‌ای از زبان معیار فاصله گرفته است. هر واژه با افزودن معنای جدید، یا ارزش عاطفی، تبدیل به واژه‌ای با معنای دیگر می‌شود که در زبان زندان، یک مدخل را به وجود می‌آورد؛ مانند پاترول که نوعی خودرو است، اما در زبان زندان، به معنای زندانی‌ای است که دائم به اتاق‌ها سرکشی می‌کند تا کسب خبر کند. حتی اسامی خاص نیز با گرفتن معنای جدید تبدیل به یک مدخل در زبان زندان می‌شوند. مانند «اصغر» که در زبان معیار اسم خاص است، اما با گرفتن معنای جدید، یا ارزش عاطفی، تبدیل به مدخل جدید در زبان زندان می‌شود. و دیگر به معنای اسم شخص نیست، و حتی اسم خاص محسوب نمی‌شود، بلکه به معنای این است که هوشیار باشید افسر نگهبان یا مأمور بازرسی ویژه در حال آمدن به داخل بند است.

۵- نتیجه‌گیری

به‌طورکلی با توجه به حضور تعداد چشمگیری از واژه‌ها و اصطلاحات جدید در زبان زندانیان به نظر می‌رسد که وجود گونه‌ای به نام گونه زبان زندان مورد تأیید است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که از میان فرایندهای واژی دخیل در گونه زبان زندان (ابداع، آمیزش، تبدیل، ترخیم، کوتاه‌سازی، تکرار، واژه‌سازی و قرض‌گیری) بیشترین بسامد مربوط به فرایند ابداع است و فرایند ابداع، نقش اصلی را در شکل‌گیری اصطلاحات زبان زندان ایفا می‌کند و پس از فرایند ابداع، فرایند کوتاه‌سازی، بیشترین داده‌ها را به خود اختصاص داد و سپس به ترتیب فرایندهای تبدیل، ترخیم، تکرار، قرض‌گیری، آمیزش و در نهایت سرواژه‌سازی در بین داده‌ها دیده شد.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به کوچک بودن حجم نمونه، به علت عدم تمایل به مشارکت و عدم حصول اطمینان از بی‌خطر و بی‌تأثیر بودن نتایج این تحقیق در آینده و سرنوشت زندانیان اشاره کرد؛ همچنین افزودن واژه‌ها و اصطلاحات زندان‌های زنان به این داده‌ها، می‌تواند تعمیم نتایج حاصل را تسهیل کند.

زمانی که زندانیان در زندان به سر می‌برند، اصطلاحات و واژگان خاصی را به کار می‌برند. این واژگان و اصطلاحات در شرایط ویژه حاکم بر زندان تولید شده‌اند و به‌مثابه اصل در این مکان‌ها پذیرفته شده است و برای زندگی در زندان و مصونیت از برخی مجازات و رفتارها به کار می‌رود. با آزادی این قبیل زندانیان، این نوع محاورات در سطح جامعه جاری می‌شود و

در بخشی از گروه‌های اجتماعی، از مطلوبیت بیشتری برخوردار می‌شود و کاربرد می‌یابد. در عین حال، زمانی که این نوع واژگان وارد عرصهٔ اجتماعی می‌شود، حتی ردپای آن را در رسانه‌های گروهی، فیلم‌ها، دیالوگ هنرپیشه‌ها و هنرمندان مشاهده می‌شود. بخشی از اصطلاحات موجود در سریال‌های تلویزیونی از این نوع است که شاید نویسنده به منشأ آن توجه نکرده و آن را در گفتمان داستانی خویش لحاظ کرده باشد.

بنابراین زمانی که این زبان وارد جامعه می‌شود، در لایه‌های جامعه پذیرش می‌یابد و امکان کنترل آن وجود ندارد که در اثر تکرار و از طریق ارتباطات کلامی، به سرعت در جامعه شایع می‌شود و سازمان‌های اجتماعی و فرهنگی نیز از ورود آن در امان نمی‌مانند. طبیعی است این نوع گفتمان نوع خاصی از رفتارها را شکل می‌دهد و به دنبال آن، هنجارها و ارزش‌هایی که با شیوه‌های متعادل و متعارف جامعه هماهنگی ندارد، زمینه‌ساز پاره‌ای از رفتارهای آسیب‌شناختی و ضد اجتماعی می‌شوند. در نهایت، پژوهش حاضر، به مثابه گامی کوچک در راستای شناخت هرچه بیشتر گونهٔ زبان زندان، می‌تواند برای پژوهشگران عرصهٔ زبان‌شناسی رهگشا باشد و نیز جامعه‌شناسان را در شناخت هرچه بیشتر فضای اجتماعی زندان یاری رساند و به برنامه‌ریزان اجتماعی نیز برای طراحی بهتر زندان و برنامه‌های آن یاری رساند.

۶- منابع

ترادگیل، پیتیر (۱۳۷۶). *زبان‌شناسی اجتماعی در آمدی بر زبان و جامعه*، ترجمهٔ محمد طباطبایی. تهران: چاپ دفتر نشر آگه.

سمائی، مهدی (۱۳۸۲). *فرهنگ لغات زبان مخفی*. تهران: نشر مرکز.

شقایق، ویدا (۱۳۸۹). *مبانی صرف*، چ ۳. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

شمس، علی (۱۳۸۷). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی زندان*، چ ۴. تهران: انتشارات راه تربیت.

رهبی، بهزاد. مسن‌آبادی، آمنه (۱۳۹۵). *زبان زندان*، تحلیل زبان‌شناختی و فرهنگ اصطلاحات. تهران: انتشارات گیوا.

نبوی، ابراهیم (۱۳۸۴). *سالن ۶: یادداشت‌های روزانهٔ زندان*، چ ۵. تهران: نشر نی.

- Akmajian, A. et al (1997). *Linguistics: An Introduction to language and communication*. Massachusetts: Massachusetts Institute of Technology.
- Bauer, L. (1989). *English Word-Formation*. Cambridge University Press.
- Crystal, D. (2003). *A Dictionary of Linguistics & Phonetics*. U.S.A: Blackwell Publishing.
- Hudson, G.(2000). *Essential Introductory Linguistics*. Massachusetts: Blackwell Publishers Inc.
- Katamba, F.(1993). *Morphology*. London: Macmillan Press LTD.
- Labov,W. (1977). *The Social Stratification of English in New York City*. Washing DC: Center for Applied Linguistics.
- Longman Dictionary of Contemporary English* (2006). England: Pearson Education Limited.
- Matthews, P. (1991). *Morphology*. New York: Cambridge University Press.
- Yule,G.(1996).*The Study of language*. Cambridge: Cambridge University Press.

